

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

زمینه ها و موانع کاربرد مدیریت مدرسه محور در ایران (مطالعه ی موردی: مدیران و معلمان مقطع متوسطه ی اول شهرستان رشتخوار)

سیده هدیه حیدری سیهیدان^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

Hedyehheydari69@gmail.com

چکیده

مدرسه محوری یا تصمیم گیری مشارکتی در مدرسه، یک بازنگری در مدارس به ویژه مدارس دولتی است که انحصار قدرت تصمیم گیری را از یک ناحیه ی مرکزی به یک مدرسه به منظور بهبود عملکرد آن مدرسه به دنبال دارد. واکاوی ادبیات موجود دلالت بر آن دارد که مدرسه محوری سیاستی عاریه ای از مؤسسات بخش خصوصی است که در چند سال اخیر از سوی نظام های آموزشی مطرح شده و برای توسعه ی آن تلاش های متعددی صورت پذیرفته است. در این مقاله زمینه ها و موانع کاربرد مدیریت مدرسه محور در ایران را به صورت موردی در میان مدیران و معلمان مقطع ابتدایی شهرستان رشتخوار مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم. روش انجام این پژوهش کمی می باشد. جامعه ی آماری شامل مدیران و معلمان مقطع ابتدایی شهرستان رشتخوار می باشد که با استفاده از فرمول کوکران برای بررسی برای تعیین حجم نمونه ۲۴۹ نفر به عنوان نمونه ی آماری در نظر گرفته شدند. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از سه روش اسناد و مدارک و سوابق، پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. در بررسی به عمل آمده از الگوهای مدرسه محوری مشخص گردید که در حال حاضر چهار الگو در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته می شود. بررسی الگوی پیشنهادی مدرسه محوری ایران در بیشتر مشابه الگوی نوع اول است که به مدیران مدرسه اختیارات وسیع تری داده می شود. همچنین مدیر مسئولیت اجرای برنامه را در مدارس بر عهده دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت، مدرسه محوری، تصمیم گیری مشارکتی، شهرستان رشتخوار

مقدمه

نظام های آموزش و پرورش طی دهه های پایانی قرن بیستم هم جهت با دگرگونی های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این دوران به الگوهای مشارکتی و غیرمتمرکزگرایش یافتند. این الگوها که به نحوی زاده تغییرات محیط و نگرش و انتظارات جامعه است، با دستاویز قرار دادن ساختارهای انعطاف پذیرتر، نویدبخش مشارکت بیشتر طبقات متفاوت جامعه، به ویژه علاقه مندان به سرمایه گذاری مالی و آموزشی و تربیتی در مدارس، والدین، مدیران، معلمان، کارکنان اداری مدارس و دانش آموزان در فرایند تصمیم گیری بود نیز سبب اثربخشی و کارآمدی نظام آموزشی شدند. از سوی دیگر، از آنجا که این تغییرات پیش از هرچیز مبتنی بر واگذاری اختیارات بیشتر به مدارس در تصمیم گیری های مربوط به مسائل مدرسه و جلب مشارکت افراد و گروه های ذینفع در هر مدرسه بود؛ سرانجام استقلال و پاسخگویی بیشتر مدارس در برابر اهداف خود و جامعه محلی را در پی داشت. اصطلاح مدیریت مدرسه محور (SBM) از سوی صاحب نظران به مثابه اصطلاحی فراگیر برای بیان تغییرات یاد شده در نظام های آموزش و پرورش جهان استفاده شد (Jafari, moghaddam, 2003; 3). مدرسه محوری یا تصمیم گیری مشارکتی در مدرسه، یک بازنگری در مدارس به ویژه مدارس دولتی است که انحصار قدرت

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی (نویسنده مسئول).